

هو اعلم

۹
۱
۶
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

نقد نظریہ کی تشریح عبد الکریم سروش

درباره وحی

مؤلف

سید محمد محسن حسینی طهرانی

حسینی طهرانی، سید محمد محسن، ۱۳۷۵ - ق.
 افق وحی: نقد نظریه دکتر عبدالکریم سروش درباره وحی / تألیف سید محمد
 محسن حسینی طهرانی. - تهران: مکتب وحی، ۱۴۳۰ ق.
 ۷۵۹ ص.

ISBN 978-600-90893-07 : ۷۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 کتابنامه: ص. [۷۳۸] - ۷۴۶؛ همچنین بصورت زیر نویس.
 نمایه.

۱. سروش، عبدالکریم، ۱۳۲۴. بسط تجربه نبوی. - نقد و تفسیر. ۲. وحی و الهام.
 الف. سروش، عبدالکریم، ۱۳۲۴. بسط تجربه نبوی. شرح. ب. عنوان. ج. عنوان: نقد
 نظریه دکتر عبدالکریم سروش درباره وحی.

۲۹۷ / ۴۳

BP ۲۲۰ / ۳ / ۵۰۸۳

۱۳۸۸

۱۶۹۹۳۸۴ - ۸۸ م

کتابخانه ملی ایران

افق وحی

نقد نظریه دکتر عبدالکریم سروش درباره وحی
 تألیف: سید محمد محسن حسینی طهرانی

سال ۱۳۸۸

ناشر: مکتب وحی

نوبت چاپ: اول / ۱۴۳۰ هجری قمری

چاپ: نور حکمت ۶۶۹۶۶۵۴

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

تعداد: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۹۳-۰۷

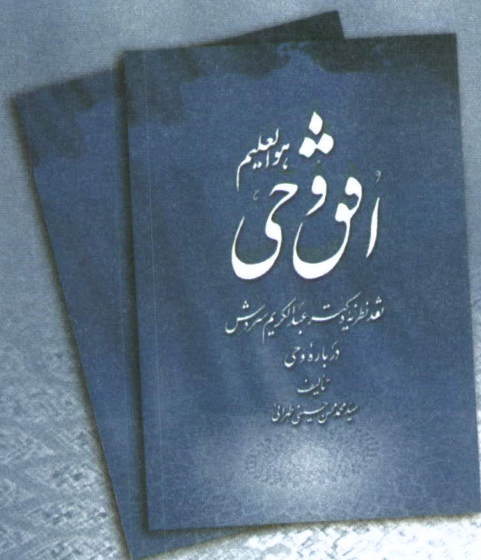
حق چاپ محفوظ است

تلفن: ۰۲۱-۷۷۶۲۴۶۶

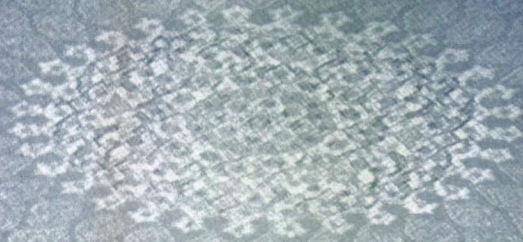
۰۹۱۲ ۶۴۵ ۴۹۹۷

www.maktabevahy.org

info@maktabevahy.org



فہرست مطالب



فهرست مطالب و موضوعات

صفحه	عنوان
۲۳	مقدمه
۲۴	دو حیثیت و جنبه لحاظ شده در انسان
۲۵	پرده برداری قرآن از کش و قوس درونی انسان
۲۶	راهی که بندگان زیرک و هشیار برای خویش برگزیده‌اند
۲۷	نقش برگزیدگان و اولیای الهی در هدایت و سعادت بشر
۲۹	قرآن کریم کتاب الهی و نسخه اطوار وجود است
۳۱	پایان کار تشکیک کنندگان در الفاظ و کلمات قرآن را خدا می‌داند و بس!
۳۳	حدّ و مرز قابل قبول طرح شبهه و احتمال
۳۳	دعوت بسیاری از آیات و روایات به تفکر و تحقیق
۳۴	استخدام حضرت ابراهیم قیاسات فلسفی راه پس از تابش نور عرفان در دلش بود (ت) .
۳۹	شیوه گوینده و نویسنده مورد نظر در ارائه مطالب باطل خود
۴۱	ردهای غیر منصفانه برخی از نقّادان
۴۳	فصل اول: در توحید افعالی
۴۵	اولین تنزّل از هویت مطلقه
۴۷	بحث از مابازاء خارجی و مفهوم علم و قدرت و حیات الهی

- ۴۹ مقصود از تسبیح و حمد پروردگار در موجودات عالم هستی
- ۵۲ نگرش غلط شیخ اجل سعدی درباره پدیده‌ها و موجودات عالم
- ۵۳ نگاه زیبای حضرت مولانا در مورد پدیده‌ها و موجودات عالم
- ۵۴ مصادیقی برای شعور و ادراک موجودات عالم
- ۵۵ عبارت حکیم بوعلی سینا راجع به وجود حیات و ادراک در اجرام سماوی
- ۵۷ کلام صدرالمتألهین در وجود تعلق و عشق موجودات به حق تعالی
- ۶۱ حقیقت جعل و افاضه به وجود باز می‌گردد نه به ماهیت
- ۶۲ کلام علامه طباطبائی در تفسیر و نقد عبارت صدرالمتألهین رضوان الله علیهما
- ۶۵ وجود مادی چیزی جز ظهور وجود مجرد نیست
- ۶۸ انتساب همه ظهورات خارجیه در وصف و فعل به خدای متعال
- ۷۱ مصادیقی آشکارا و صریح از قرآن کریم در توحید افعالی
- ۷۳ کیفیت انتساب افعال به باری تعالی و معذات خارجیه در آن واحد
- ۷۶ پرده‌برداری حکیم شیخ محمود شبستری از سرسریان نور وجود حق در همه مظاهر
- ۷۷ اراده نبی خدا و ولی الهی در طول اراده حق تعالی می‌باشد
- ۷۹ کلام حضرت سید هاشم حداد رضوان الله علیه در حقیقت توحید افعالی
- ۸۰ اشعار جناب مولانا در حقیقت توحید افعالی
- کلام حضرت علامه طهرانی رضوان الله علیه در حقیقت توحید افعالی از کتاب توحید علمی و عینی
- ۸۲ هر ذات و صفت و فعلی در نفس وجود خویش قائم به ذات و وصف و اراده حق تعالی است
- ۸۶ عدم فرق بین افعال اختیاری و غیر اختیاری در انتساب به حق تعالی
- ۸۷ آیات صریحه در تبیین توحید افعالی حق تعالی و وجود اختیار در انسان
- ۸۸ اشعار جناب مولانا در نفی جبر و اثبات جبریت حق تعالی
- ۸۹ بهشت و دوزخ زائیده اعمال انسان در دنیا است
- ۹۱ اشعار جناب مولانا در عدم تنافی اختیار با توحید افعالی
- ۹۳ عدم تنافی بین اختیار و توحید افعالی
- ۹۴ عدم جواز تفسیر امور و وقایع به دلخواه انسان
- ۹۶ ظهور توحید افعالی در افعال پیامبران و اولیاء الهی
- ۹۷ ظهور توحید افعالی در افعال پیامبران و اولیاء الهی

فصل دوم: در حقیقت علم و ادراک

۹۹

- هر علّتی نسبت به معلول خود و هر معلولی نسبت به علّت خود علم دارد ۱۰۲
- تبدیل علم حصولی به علم حضوری بواسطه اتحاد نفس با صورت علمیّه ۱۰۳
- دعوت قرآن کریم انسانها را به سوی علم و انکشاف واقع ۱۰۴
- متابعت از علم و یقین انسان را از وقوع در مهالک حفظ می‌کند ۱۰۵
- راههای دست‌یابی به کشف از واقع ۱۰۶
- اطلاع بر غیب اختصاص به ذات الهی دارد ۱۰۸
- حکایتی از حاج هادی ابهری در اطلاع بر مغیبات ۱۱۲
- تشبیه وجود مادی و ظاهری موجودات به قطار ۱۱۳
- رؤیت وقائع گذشته و حال و آینده برای اولیاء الهی به علم حضوری است ۱۱۴
- حکایت مکاشفه حاج هادی ابهری در دروازه شام ۱۱۴
- حکایت مکاشفه حاج هادی ابهری در اینکه تمام زمین مدفن افراد و اشخاصی است ۱۱۵
- کیفیت تعلّق علم الهی به موجودات در بستر زمان ۱۱۷
- عدم توقّف صدور اراده و مشیّت حقّ تعالی بر زمان و مکان ۱۱۸
- توقّف تحقّق هر علّتی بر سلسله امور موجدّه آن ۱۲۰
- کیفیت صورت حوادث در عالم برزخ و مثال ۱۲۲
- خطای دعوت کنندگان و سخن گویان در ظهور امام زمان عجل الله تعالی ۱۲۳
- دعوت اولیاء الهی به معرفت حقیقت و باطن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۲۴
- انحصار وصول به عالم معرفت و شهود بر مکتب عرفان و توحید الهی ۱۲۵
- آیات الهی در کیفیت خلقت آدم و امتیاز او از سایر مخلوقات ۱۲۵
- نکات موجود در آیات کیفیت خلق آدم (نکته اول) ۱۲۶
- کلام مرحوم ملا عبد الرزاق کاشانی ذیل آیات خلق آدم (ت) ۱۲۸
- کلام مرحوم علامه طباطبائی ذیل آیات خلق آدم ۱۳۱
- اشکالات وارده بر کلام علامه طباطبائی ره ذیل آیات خلق آدم ۱۳۵
- نکات موجود در آیات کیفیت خلق آدم (نکته دوم) ۱۴۰
- کلام تفسیر جوامع الجامع ذیل آیات شریفه خلق آدم ۱۴۱
- مباحثه مرحوم علامه طهرانی با مرحوم آیه الله خوئی در تفسیر آیات خلق آدم ۱۴۲
- مراد از اسماء در آیه، اسماء کلّیه الهیه است ۱۴۳

- ۱۴۴ ظهور علم در عالم اعیان توسط اسم علیم پروردگار است
- ۱۴۵ هر ملکی دارای مظهریت اسمی از اسماء خاصه حق تعالی است
- اشعار خواجه حافظ شیرازی در اینکه انسان مظهر جامع جمیع اسماء و صفات حق تعالی است
- ۱۴۶ است
- ۱۴۷ انسان بواسطه فنای ذاتی مستحق وصول به معرفه الذات می باشد
- ۱۴۸ الحکمة صیرورة الإنسان عالماً عقلياً مضاهياً للعالم العینی
- ۱۴۹ صرف اراده حق تعالی ایجاب وجود موجودات می کند
- ۱۵۰ اراده ولی کامل همان اراده خداست
- ۱۵۱ نکته ادبی موجود در آیات داله بر خلق آدم
- ۱۵۳ تعلیم اسماء صرفاً تعلیم اسامی اشخاص نمی باشد
- ۱۵۳ روایت امام صادق علیه السلام درباره خلقت آدم و تعلیم اسماء
- ۱۵۴ معنی و حقیقت تعلیم اسماء کلیه الهیه به آدم
- ۱۵۵ مراد از ودیعه الهی که در بنی آدم قرار داده شده است
- ۱۵۶ اشعار حافظ شیرازی رضوان الله علیه درباره لقاء بالله
- ۱۵۷ نکات موجود در آیات کیفیت خلق آدم (نکته سوّم)
- ۱۵۸ فقط انسان می تواند سیر صعودی و طولی تا ذات بالصرافه بنماید
- ۱۵۹ کلام علامه کبیر محمد حسین اصفهانی پیرامون حقیقت انسان
- ۱۶۰ اشعار عرفاء بالله درباره وحدت ذاتی حق با موجودات
- ۱۶۰ اشعار ابن فارض مصری درباره وحدت ذاتی حق با موجودات
- اشعار مرحوم آیه الحق حاج شیخ محمد حسین اصفهانی درباره وحدت و فناء عبد در ذات حق
- ۱۶۲ است
- ۱۶۴ شعر مرحوم علامه طهرانی ره در باب مظهریت اتم بودن انسان کامل برای حق تعالی
- ۱۶۴ حقیقت علمی انسان کامل هیچ حده و مرزی نمی شناسد
- ۱۶۵ روایات وارده در کیفیت کشف حقائق علمیه برای کمترین
- ۱۶۷ روایت سدید صیرفی درباره علم امام علیه السلام
- ۱۷۱ روایات مختلفه ای در باب علم غیب امام علیه السلام داریم
- ۱۷۲ اشتباه و لغزش در مسایل اعتقادی اغلب ناشی از عدم تحصیل علوم عقلیه است
- ۱۷۳ امروزه گویا یاهو سرائی و انکار حقائق خود هنری شده است

۱۷۴	باید در ایجاد فضای حریت و فرهیختگی فرهنگی کوشید
۱۷۵	آیات داله بر اینکه اولیاء الهی اطلاع بر اسرار عالم هستی دارند
۱۷۷	دلیل عقلی داله بر اینکه اولیاء الهی اطلاع بر اسرار عالم هستی دارند
۱۸۰	اشعار مولانا درباره افرادی که توهم و تخیل آنها جلوی حق بینی را گرفته است
۱۸۰	برای رسیدن به تجرد تام و وصول به حقیقت ذات باید مراقبه نمود
۱۸۱	چند نکته در خاتمه بحث حقیقت علم (نکته اول)
۱۸۳	چند نکته در خاتمه بحث حقیقت علم (نکته دوم)
۱۸۹	چند نکته در خاتمه بحث حقیقت علم (نکته سوم)
۱۹۳	نفس اطلاع بر خطر موجب وجوب احتراز نمی شود
۱۹۶	اشتیاق اولیاء الهی به مرگ و لحظه شماری برای آن
۲۰۰	اعجاز امیر مؤمنان علیه السلام در تطبیق مشیت الهی با ظواهر عالم ماده بود
۲۰۰	چند نکته در خاتمه بحث حقیقت علم (نکته چهارم)
۲۰۲	در معنای: إذا شاءوا علموا
۲۰۴	خلاصه و چکیده بحث علم و ادراک
۲۰۷	فصل سوم: در حقیقت وحی و الهام
۲۱۰	انتساب افعال و حوادث به خدای متعال بر اساس نفس فعل است
۲۱۱	در حقیقت وحی و نزول معانی بر قلب پیامبر یا ولی الهی
۲۱۲	بازگشت اشتباهات بشر در مسایل علمی به یکی از دو اصل
۲۱۳	راه تصحیح فکر و نتایج به دست آمده از عقل
۲۱۵	امکان ورود خطاء و خلاف در مکاشفات روحیه و نفسیه
۲۱۶	اشکال وارد بر کتاب نجم الثاقب حاجی نوری رضوان الله علیه
۲۱۷	کشف صور و معانی در مکاشفات باطنیه خالی از اشتباه نیست
۲۱۹	بیان صدر المتألهین در کیفیت تجلی حقائق و اسرار عالم وجود در نفس و قلب انسان
۲۲۵	کلام صدر المتألهین درباره نهی روی آوردن به حقائق عقلیه بدون رعایت شرع
۲۲۶	کلام صدر المتألهین در بیان کیفیت نزول وحی بر انبیاء
۲۳۰	حقیقت وحی عبارت از وصول به مرتبه تقدیر و مشیت الهی است
۲۳۱	اعتراض یکی از علماء سردرگم نجف به مرحوم آیه الله قاضی رضوان الله علیه
۲۳۱	آیات داله بر اینکه انبیاء دارای مراتب مختلف بوده اند

- ۲۳۶ ادراک حقائق عالم غیب و معرفت مراتب اسماء در همه یکسان نیست
- ۲۳۸ عبارت مناجات شعبانیه در رابطه با راقی‌ترین مرتبه از مراتب تجرّد
- ۲۳۹ عدم جواز مقایسه عرفای شاعر با کسانی که ابیاتی را به هم می‌یافند
- ۲۴۲ تشبیه حقائق و حیانی به واردات ذهنیه شعراء جداً سفیهانه است
- ۲۴۳ در حقیقت وحی یعنی القاء مطالب و معانی از افق دیگری بر نفس
- ۲۴۴ امثله گوناگون در حقیقت نورانی و روحانی وحی
- ۲۴۴ کیفیت الهام و وحی به زنبور عسل
- ۲۴۸ حکایتی لطیف از گربه خانگی حاج غلام حسین همایونی خطاط
- ۲۵۰ الهام به زنبور عسل یعنی القاء خطّ و مشی زندگی و حیات
- ۲۵۱ کیفیت الهام و وحی به مادر حضرت موسی علیه السلام
- ۲۵۳ وحی فرستادن بعضی شیاطین به بعض دیگر
- ۲۵۵ الهام و القاء مطالب خوب و بد به هر یک از مؤمنین و کفّار
- ۲۵۸ کیفیت وحی الهی بر قلب مؤمنین و معتقدین راستین صراط خود
- ۲۶۱ کیفیت وحی الهی برای تعیین برنامه و تنظیم امور و تدبیر اجرام سماوی
- ۲۶۲ نزول وحی بر اجسام و اجرام سماوی
- ۲۶۳ کلام علامه طباطبائی رضوان الله علیه در وحی به کرات و اجرام سماوی
- ۲۶۶ کلام مرحوم علامه سلطان محمد گنابادی در حقیقت وحی
- ۲۶۷ نفس صورت خاکی و ماده قابلیت قبول وحی را دارد
- ۲۶۸ حقیقت عالم افلاک و موجودات خاکی همان حقیقت ربطیه مجرّده است
- ۲۶۹ تجلّی پروردگار به کوه همان نزول حقیقت وحی است
- ۲۷۰ کلام مولانا جلال الدین بلخی در حقیقت وحی و تجلّی حق بر عالم هستی
- ۲۷۱ کلام قرآن کریم در حقیقت و کیفیت ماهوی وحی
- ۲۷۳ وحی عبارت است از نزول و افاضه یک مسأله و واقعیت حق بر قلب و ضمیر افراد
- ۲۷۴ رابطه مطلب حق با مسأله وحی عام و خاص مطلق است
- ۲۷۶ وحی اختصاص به یک عده خاص از برگزیدگان خدای متعال ندارد
- ۲۷۶ کیفیت وحی به حضرت یعقوب در آگاه کردن فرزندان خود
- ۲۷۷ گاهی خداوند از اعطاء حکمت و علم تعبیر به وحی می‌کند
- ۲۷۹ عدم فرق در اطلاق وحی به پیامبر اکرم و وحی به حضرات معصومین علیهم السلام

۲۸۱		فرق وحی به پیامبران الهی با سایرین
۲۸۲		انقطاع وحی بعد از رسول خدا یعنی نزول جبرائیل به تمثیل صوری منقطع شده است
۲۸۲		روایات وارده در فرق نبی و امام در حصول وحی برای آنها
۲۸۵		فصل چهارم: بررسی مطالب مطرح شده از طرفین
۲۸۸		معنای وحی در جهان مدرن و راز زدائی شده امروز
۲۹۱		به هر مقدار که در تکنیک پیش رفتیم از خود دور شدیم
۲۹۱		ماهیت و حقیقت سازمان ملل متحد
۲۹۲		روابط انسان راز زدا در عرصه اخلاق و روابط انسانی
۲۹۳		قوانین مقررّه در کشورهای مترقی
۲۹۴		شعر در لغت به معنای بیان و اظهار یک معنی در قالب سجع و قافیه است
۲۹۶		هدایت و ارشاد فطرت و سرشت به سمت راه صواب و صدق
۲۹۶		مذمت و ملامت قرآن افراد گمراه و تابع هواهای نفسانی
۲۹۷		راه منتخب شاعر جهت ابراز و اظهار معنی
۲۹۸		مقایسه بین شاعران عارف با شاعران یاهوگو
۳۰۰		از شاعران یاهوگو فقط گمراهان تبعیت می کنند
۳۰۲		شعرای والا مقام ملهم از جانب ملائکه و ارواح ملکوتی اند
۳۰۲		نمونه هایی از اشعار عرش بنیاد خواجه حافظ شیرازی علیه الرحمة
۳۰۴		نتیجه وفود اولیای الهی در حریم عصمت و طهارت
۳۰۶		مسأله بقای موضوع در حجّیت استصحاب
۳۰۷		کلام مرحوم سید محسن حکیم در باب حجّیت استصحاب
۳۰۹		سرگذشت تأسف بار و عبرت انگیز حسان بن ثابت
۳۱۰		نمونه ملهم بودن شعراء از جانب ملائکه الهی و روح القدس
۳۱۱		صحّت اطلاق وحی بر حقائقی نازله بر قلب افراد صالح
۳۱۲		توضیح و تفسیر دقیق مسأله انقطاع وحی
۳۱۳		علم و اطلاع پیامبر اکرم مانند علوم ما حصولی نمی باشد
۳۱۴		فرق بین پیامبر و امام علیه السلام
۳۱۶		کیفیت علم تفصیلی رسول خدا به احکام و تکالیف
۳۱۸		تشبیه حقائقی و حیانی به واردات قلبی شعراء در قالب کلی اشتباه است

- نمونه‌هائی که از الهام غیبی بر نفوس بشر حکایت می‌کند ۳۱۸
- کلام امیر مؤمنان درباره عرفای الهی و اولیای ربّانی ۳۲۰
- تردید و تأمل در پاسخ بعضی از بزرگان در جواب آقای سروش ۳۲۲
- عدم فرق بین رؤیای صادقه پیامبران الهی با سایر افراد ۳۲۴
- تردید و تأمل در پاسخ بعضی از بزرگان در جواب آقای سروش ۳۲۶
- معیار مشخص برای عمل بر طبق مکاشفات و رؤیاها ۳۲۸
- احوالات میرزا مهدی اصفهانی (ت) ۳۳۱
- آیه الله شریانی: اگر صوفی این است ای کاش خدا مرا هم از زمرة صوفیه قرار دهد ۳۳۲
- کلام امیر مؤمنان در مقام بیان نزول وحی بر رسول خدا ۳۳۳
- ملاک حجّیت و قطعیت حقائق و حیانی ۳۳۶
- توضیحی بر کلام بعضی بزرگان در جواب به آقای سروش ۳۳۷
- توسّل مرحوم ملاصدرا به قبر حضرت معصومه سلام الله علیها برای حلّ معضلات خویش ۳۳۹
- معنی حجّیت بخشیدن پیامبر اکرم به کشف حقائق ربوبی خویش ۳۴۱
- بیان جناب محیی الدین در حقیقت تکلم و وحی از ناحیه پروردگار ۳۴۲
- شرح کلام جناب محیی الدین رحمة الله علیه در حقیقت تکلم و وحی ۳۴۴
- درون اولیای الهی درونی مصفی و مطهر است ۳۴۶
- اشکال مؤلف بر عدم ادراک صحیح اشعار جناب مولانا رحمة الله علیه ۳۴۷
- کلام مضحک و بی‌پایه آقای سروش در پدیده وحی ۳۵۰
- جواب به آقای سروش در پدیده وحی ۳۵۱
- تک‌تک آیات الهی برای جمیع افراد بشر تا روز قیامت است ۳۵۵
- اعلامیه‌های حقوق بشر در ترویج شیوة حیوانی و انحراف شهوانی ۳۵۹
- قرآن به فرهنگ و مثال و زبان محیط نزول، نازل نشده است ۳۶۱
- اشکالات وارد بر نظریه آقای سروش ۳۶۱
- مقایسه چکامه یکی اساتید ادبیات با نثر گلستان سعدی ۳۶۳
- سخنان رسول خدا از نفس متّصل به ملاّ اعلی سرچشمه گرفته است ۳۶۵
- ادامه اشکالات وارد بر نظریه آقای سروش ۳۶۷
- خلاصه و چکیده ایرادات به این بخش کلام آقای سروش ۳۷۰
- اشکالات وارد بر بخش دیگری از کلام آقای سروش ۳۷۲

۳۷۴	 سنت به معنای روش و شیوه مستمر است
۳۷۶	 مبارزه امیر مؤمنان با سنتها و بدعتها خلفای غاصبین
۳۷۷	 مکتب شیعه مکتب اطاعت و انقیاد در برابر حق است
۳۷۸	 سنت‌های کنار گذاشته شده توسط ما
۳۸۲	 پاسخ به بی‌مهری آقای سروش با مفاد سنت و سنتی
۳۸۷	 شیوه و روش مؤلف در اتخاذ دیدگاههای خویش
۳۸۸	 آیه الله العظمی بروجردی: بزرگواری علماء مانع از تحقیق و فحص طلاب نشود
۳۸۹	 اشکالات وارد بر نظریه آقای سروش مبتنی بر استصحاب حرکت دینی
۳۹۴	 تمسک آقای سروش به محکم و مشابه در قرآن برای ورود احتمال خطاهای علمی در آن
۳۹۵	 جواب به آقای سروش در این مدعا
۴۰۹	 قرآن کتابی است که همه حقائق عالم تکوین را در خود دارد
۴۱۰	 کلام الهی دارای درجات متفاوتی از عمق و معرفت است
۴۱۲	 دسترسی به حقائق قرآن انحصار به اولیاء الهی دارد
۴۱۳	 وحی حقیقی است ثابت و هویتی است عینی و خارجی
۴۱۵	 عدم تنافی بین دو پدیده علم و وحی
۴۱۸	 زبان قرآن زبان اشاره و رمز برای ارباب معرفت و معنا است
۴۱۹	 علم حقیقی است سیال و در بستر تجربه و بهره‌گیری
۴۲۱	 کلام مرحوم علامه طباطبائی رحمه الله علیه در معنی تشبُّه
۴۲۴	 نکته مورد لحاظ در کلام مرحوم علامه طباطبائی رحمه الله علیه
۴۳۰	 هر فرد مصداق حقیقی در خطاب واقعی آیات قرآن است
۴۳۲	 قرآن بی‌پرده و بی‌واسطه با انسان در تعامل است
۴۳۴	 کلام معصوم کلامی است در ظرف ابد
۴۳۵	 حجّیت فتوای مجتهد حجّیت مؤید نمی‌باشد
۴۳۶	 فرق بین امام معصوم و بین فقیه
۴۳۹	 نماز را نباید به قصد حکایت و اخبار بخواند
۴۴۰	 آیات الهی مخصوص مشافهین به خطاب نمی‌باشد
۴۴۱	 انکار بعضی افراد لزوم تدبّر و تفکّر در آیات الهی را
۴۴۲	 کلام سراسر تناقض آقای سروش

- هیچ آیه‌ای از آیات الهی بر خلاف کشفیات جدید نمی‌باشد ۴۴۲
- نظریه صاحب مقاله در دخالت شخصیت پیامبر اکرم در کیفیت نزول وحی ۴۴۴
- پاسخ به صاحب مقاله در بیان مزخرفات و سخنان یاوه او ۴۴۶
- نکته اول عدم درک صحیح صاحب مقاله از توحید افعالی ۴۴۸
- پذیرش یکی از سه طریق در محدوده نظریه صاحب مقاله ۴۵۴
- قرآن نزول وحی را فقط به مشیت و خواست خدا منوط دانسته است ۴۵۴
- نفس اراده رسول خدا بر فرود آوردن جبرائیل همان اراده پروردگار است ۴۵۷
- عدم منافات اراده حضرت حق و پیامبر اکرم در نزول جبرئیل ۴۶۰
- نفس رسول خدا نمی‌تواند هم صادر کننده و هم شنونده و مخاطب آیات الهی باشد ۴۶۱
- راه و طریق سوم در محدوده نظریه صاحب مقاله ۴۶۳
- صاحب مقاله کلام عرفاء شامخین را با تفکر ماده‌گرایانه خویش درآمیخته است ۴۶۴
- نکته دوم: راه‌یابی بی‌واسطه رسول خدا به مبدأ و منبع وحی ۴۶۶
- فعل ولیّ خدا همان فعل خداست ۴۶۸
- نفس واقع و حقیقت موضوعات و احکام در درون رسول خدا جاری است ۴۶۹
- نقل پاسخ صاحب مقاله به اعتراضات ۴۷۱
- کلام صاحب مقاله سراسر مشحون به تناقضات است ۴۷۲
- پاسخ به شبهه یکی شدن متکلم و مخاطب در خطابات «قل» ۴۷۴
- هنر رسول خدا صیقل زدن آینه نفس خویش بود ۴۷۹
- دو جنبه کاملاً متفاوت رسول خدا در مسأله وحی ۴۸۰
- ادامه پاسخ به شبهه یکی شدن متکلم و مخاطب در خطابات «قل» ۴۸۴
- تنظیر بعثت پیامبر اکرم و نزول وحی به مسأله غیبت حضرت حجت ارواحنا فداه ۴۸۵
- کلام صاحب مقاله ذیل آیه: *أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّتَنَّىٰ وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ* ۴۸۶
- اشکالات وارد بر کلام صاحب مقاله در این باب ۴۸۹
- نقل کلام شیخ اکبر محیی الدین عربی در باب اولیای کَمَلِ الهی ۴۹۰
- استشهاد صاحب مقاله به عبارت شیخ اکبر محیی الدین بی‌ربط است ۴۹۴
- غور در مضامین عالی عرفا را باید به اهلش سپرد ۴۹۵
- سرّ انحطاط و انحراف جدی علمی و اعتقادی عده‌ای از محصّلین ۴۹۷
- تشبیه صاحب مقاله مسأله وحی را به زنبور عسل و طوطی ۴۹۹

۵۰۰	پاسخ به صاحب مقاله در تفاوت گذاری بین زنبور مولد و طوطی مقلد
۵۰۳	تفسیر صحیح شعر جناب حافظ درباره طوطی مقلد
۵۰۳	کلام امام سجاد علیه السلام در شرح حال مجذوب سالک
۵۰۵	تفسیر صحیح شعر جناب حافظ درباره طوطی مقلد
۵۰۷	حقائق دارای واقعیت خارجی ولی بدون شکل و صورت اند
۵۰۸	وحی واقعی است محدود و مقید و دارای ابعاد مختلف
۵۰۹	حقیقت وحی امری مجرد و بی صورت و شکل است
۵۱۲	کیفیت تشکّل و صورت بندی حقائق بر اساس واقعیت های نهفته
۵۱۳	مکاشفه آیه الله شیخ حسن علی نخودکی بعضی از علماء نجف را
۵۱۴	صورت بندی حقائق منطبق بر وجود خارجی آنهاست
۵۱۶	معنا و مفهوم بال داشتن ملائکه در قرآن کریم
۵۲۰	تمثل ملائکه به شکل بشر در منزل حضرت ابراهیم و لوط
۵۲۳	غفلت و تغافل از اخبار شیعه و عامه در کیفیت ارتباط رسول الله با ملائکه
۵۲۵	اولین مرحله صورت گیری اشیاء در لوح محفوظ و عین ثابت و حقیقت رسول الله است
۵۲۶	صاحب مقاله کلام مرحوم علامه طباطبائی را درست نفهمیده است
۵۲۸	اولیای الهی توان سخن با عوام را ندارند
۵۳۰	بعضی به دلیل عدم درک مضامین عالیّه زیارت جامعه آن را از مبدعات می دانند
۵۳۲	اشعار خواجه حافظ علیه الرحمة درباره مؤتدین از ناحیه پروردگار
۵۳۳	اتهامها و تکفیرهای ناروا به مرحوم علامه طهرانی رضوان الله تعالی علیه
۵۳۴	کلام آیه الله خامنه ای درباره حضرت علامه طهرانی رحمه الله علیه
۵۳۵	کلام برخی کوه فکرا و تنگ نظران درباره مرحوم علامه طهرانی رحمه الله علیه
	نگرش مرحوم آیه الله میلانی و گلپایگانی به مطالب و سخنان مرحوم علامه طهرانی
۵۳۶	رحمة الله علیه
	ارجاع مرحوم علامه طباطبائی بسیاری از افراد را به مرحوم علامه طهرانی رحمه الله علیه
۵۳۸	
۵۳۸	کلام برخی کوه فکرا و تنگ نظران درباره مرحوم آیه الحق سید هاشم حداد رحمه الله علیه
۵۴۰	عدم رعایت جانب اعتدال و عدالت در نشریات
۵۴۲	الباطل یترک بترک اسمه

- اشکال صاحب مقاله بر محدودیت عربیت زبان قرآن و وحی و جواب به آن ۵۴۲
- توجیه اعتبار تقویم قمری در تعیین زمان عبادات ۵۴۷
- قرآن و اعتقادات و احکام دینی اختصاص به زمان رسول خدا ندارد ۵۴۹
- اشکال صاحب مقاله بر یک نواخت نبودن بلاغت و شیوایی آیات الهی و جواب آن ۵۵۲
- اشکال صاحب مقاله بر دانشمند و مورخ نبودن پیامبر اکرم و جواب آن ۵۵۴
- قلب و ضمیر اولیای الهی به روی حقائق نهفته و مکتوم هستی باز است ۵۵۸
- در توضیح قاعده مسبوقیت حادثه به ماده و مدت ۵۶۰
- کلام صدرالمآلهین درباره مسبوقیت حادثه به ماده و مدت ۵۶۲
- خلط صاحب مقاله بین حقیقت وحی و زمان نزول آن ۵۶۶
- زمان و مکان صرفاً شرط است نه مقوم ۵۶۸
- مکاشفات روحانی مشمول قاعده کلی حادث مسبوق بماده و مدت نمی باشند ۵۶۸
- اراده های متعدد از خدای متعال منتع و محال است ۵۷۰
- تمام هستی به یک اراده حق لباس هستی پوشیده است ۵۷۲
- اشتباه صاحب مقاله در ربط دادن بین اراده واحده پروردگار و نزول اراده حق ۵۷۵
- توضیح سخن معتزله در مخلوق بودن قرآن ۵۷۷
- اشکال نقضی وارد بر صاحب مقاله ۵۷۸
- اشکال بر صاحب مقاله در تجویز دروغ مصلحت آمیز در قرآن ۵۸۰
- شرایط لازم برای تحقق دروغ مصلحت آمیز ۵۸۳
- شرط دوم در دروغ مصلحت آمیز ۵۸۵
- مسأله وحدت وجود هیچ ربطی به ابطال صاحب مقاله ندارد ۵۸۸
- فهم درست وحدت وجود مؤید فهم درست وحی است ۵۹۱
- حدیث شریف موسی بن جعفر علیه السلام در توصیف ذات احدی ۵۹۱
- مبحث سی و یک و سی و دوم از کتاب الله شناسی در باب وحدت وجود ۵۹۷
- حق سبحانه و تعالی، عین وجود و حقیقت هستی است ۵۹۹
- گفتار فیض کاشانی (قده) در جمع بین ظهور و خفاء خداوند ۶۰۰
- یا مَنْ هُوَ اخْتَفَى لِقَرَطِ نوره، الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ فی ظُهورِهِ ۶۰۱
- شرح حال مرحوم شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء (قده) ۶۰۶
- بحث گرانقدر آل کاشف الغطاء در وحدت وجود و موجود ۶۰۸

- اثبات أصالة الوجود، و ابطال أصالة الماهية ۶۰۹
- اشتراک لفظی در اطلاق لفظ وجود بر مراتب آن، مستلزم محذورات فاسده است ۶۱۱
- تَوْحِيدُهُ تَمَيِّزُهُ عَنْ خَلْقِهِ؛ وَ حُكْمُ التَّمَيِّزِ بَيْنُونَةُ صِفَةٍ لَا يَبْنُونَةُ غَزَلَةٍ ۶۱۲
- وجود واجب الوجود، فی نَفْسِهِ بِنَفْسِهِ لِنَفْسِهِ می باشد ۶۱۵
- «بَسِيطُ الْحَقِيقَةِ كُلُّ الْأَشْيَاءِ مُفَادٌ «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» است ۶۱۶
- آل کاشف الغطاء: وحدت وجود از مسائل ضروریّه است ۶۲۰
- آل کاشف الغطاء: وجود واحد است؛ موجود هم واحد است ۶۲۱
- برهان وحدت موجود، و ردّ شبهات وارده بر آن ۶۲۷
- در وحدت موجود، موجود حقّ ازلی است؛ و جمیع کائنات، اطوار و شؤون او ۶۲۷
- کاشف الغطاء در رد فتوای «عروة» گوید: اینها از انصاف و ورع و سداد نیست ۶۲۹
- در هر طائفه از اهل عرفان، افرادی بی خبریّت و معرفت، خود را جا زده اند ۶۳۱
- آل کاشف الغطاء، وحدت وجود و موجود را ملموس و برهانی کرده است ۶۳۳
- تعلیقه آیه الله حکیم بر فتوای مرحوم سیّد در «عروه» ۶۳۵
- وحدت حقیقه وجود و موجود با کثرت اعتباریّه آن دو، عالی ترین اقسام توحید است ۶۳۶
- ابیات راقیه میرزا محمد رضا قمشه‌ای در وحدت موجود ۶۳۸
- فقیه نمایان، به نجاسات «وحدت وجودی» را افزوده‌اند تا خود را از مسؤولیت برهانند ۶۳۹
- رساله نویسان، تا صاحب ولایت الهیه نباشند، در روز قیامت موقف خطرناکی دارند ۶۴۳
- استدلال به آیات قرآن برای اثبات دوئیّت حقیقی بین خالق و مخلوق، فاسد است ۶۴۳
- فتوای صاحب عروة در مورد قائلین به وحدت وجود ۶۴۶
- کلام حاج آقا رضا همدانی در حقیقت جبر و تفویض ۶۴۶
- هیچ ارتباطی بین نظریه حلول و نظریه خطا پذیری وحی وجود ندارد ۶۵۰
- سالک حدود وجودی خود را از دست داده مندرک در حقیقت اطلاقی حقّ می‌شود ۶۵۱
- عبارات عرفاء شامخین در مقام ظهور تجلّی حق در نفوس آنان ۶۵۳
- اشعار مولانا مربوط به جنبه وحدت عالم ارواح است ۶۶۰
- شعار شیعه از ابتداء متابعت از حق بوده است ۶۶۱
- صحبت از مقام و منزلت افراد کردن تضييع عمر است ۶۶۲
- امروزه دیگر مولانا در صورت یک عارف سنّی یا شیعی مطرح نیست ۶۶۴
- مشکل مثنوی مولانا نزد مخالفین اشتغال بر مبانی دقیق عرفان اسلامی است ۶۶۵

- چه کسانی کمر حضرت علی را شکستند ۶۶۸
- تنها راه معرفت حقیقت امام علیه السلام و وصول به کنه ولایتش عرفان الهی است ۶۶۹
- کسی ادعای وحی و عصمت در کلمات عرفاء شامخین نمی کند ۶۷۰
- خاتمه**
- ۶۷۳
- نکته اول: سعی در ساده نویسی و پرهیز از اصطلاحات در تدوین کتاب حاضر ۶۷۵
- نکته دوم: استدراج تدریجی صاحب مقاله ۶۷۶
- شیوه صاحب مقاله پیوند زدن نقاط ضعف با اهداف باطل خویش است ۶۷۸
- نکته سوم: استدراج نتیجه رویارویی صاحب مقاله با حق است ۶۸۰
- زندگی انسانها سراسر مملو از امتحانات است ۶۸۲
- علامه طباطبائی رحمه الله علیه: از ابتداء تاریخ اسلام تا کنون کسی به مانند محیی الدین نیامده است ۶۸۳
- مقتضی انصاف علمی و رعایت احتیاط حزم و تأمل در این مطالب است ۶۸۴
- فهارس عامه**
- ۶۸۷
- فهرست تألیفات**
- ۷۴۷

مقدم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
 وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

حمد و سپاس بی حدّ خالق متعال را سزااست که ماهیات ظلماتیه امکان را
 به نور وجود آراسته و هویدا ساخت و درود بی پایان بر پیامبران برگزیده اش
 خصوصاً خاتم و سرور آنان محمد مصطفی و اهل بیت معصومین و مکرمین او
 باد که با هدایت و ارشاد خویش جامعه سرگشته و حیران بشری را به سرچشمه
 مقصود و سرمنزل معهود راهنما و رهنمون گشتند.

بشر که خلقت او از جنبه روحی و نفسی به مرتبه مبدأ اعلی و ذات اقدس
 حقّ برمی گردد در تنزل به مراتب مادون به پائین ترین منزلت و جایگاه خلقت
 یعنی وجود مادی ظهور و تجلّی پیدا می کند چنانکه خدای متعال درباره این
 ابتداء و انتهاء می فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۖ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾^۱

«ما انسان را در بهترین و ممتازترین جایگاه عالم خلقت قرار دادیم، سپس او را به پائین‌ترین مرتبه و جایگاه در سلسله مراتب وجود تنزل دادیم.»
و بر اساس این نشأت و انتهاء، دو حیثیت وجودی در خلقت او لحاظ شده است. یکی جنبه روحانیت و تجرد ماهوی آن که همان ذات پروردگار و وجود مطلق است، و دوم حیثیت و جنبه ظلمانی او که تلبس به لباس عالم ماده و انغمار در کثرت و مظاهر عالم کثرت است. و بدین لحاظ در گذران عمر در عالم ماده پیوسته در دغدغه و تشویش دریافت و آگاهی بر حقیقت و ذات خویش به سر می‌برد، از یک طرف به واسطه تعلق و ارتباطش با مبدأ اعلی و وسائط و اسباب این ربط چون فطرت و قوه عاقله، دائماً در نفس خود احساس به نوعی خلأ وجودی و افتقار ماهوی در رابطه با این پدیده دارد و خود را مرهون کشش‌ها و جاذبه‌ها و نفحات عالم قدس می‌بیند و در این ادراک و شعور، حقیقتی را ماوراء این حوادث و قضایای روزمره مادی و دنیوی احساس می‌کند، گویا وجود حقیقی خود را متعلق به عالم دیگری می‌بیند که چند روزی در این عالم فانی به عاریتش آورده‌اند، و از پی مقصد و غایتی در این دنیا مأوی داده‌اند.
من ملک بودم و فردوس برین جایم بود

آدم آورد در این دیر خراب آبادم^۱

خنک آن روز که پرواز کنم تا بر دوست

به هوای سر کویش پر و بالی بزنم^۲

و از طرف دیگر به واسطه هیوط و نزول در عالم ماده و شهوات و غفلات

۱- دیوان حافظ، یک بیت از غزل ۳۶۲.

۲- از غزلیات مولوی.

و ارتباط نفس با حوادث و جاذبه‌های عالم دنیا، خود را به مظاهر مادون و پست و بی‌اعتبار این عالم مشغول می‌دارد و آن حقیقت پنهان و تعلّقش را چه بسا به دست نسیان و ذهول می‌سپارد و شب و روز خود را به جاذبه‌های مادی و شهوانی و اعتبارات سپری می‌کند و تفکر ماده و اصالت ماده را بر تفکر و اصالت نور و تجرّد و معنا ترجیح می‌دهد، و منطق اهل دنیا را برمی‌گزیند که گویند:

﴿إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾^۱

«هیچ حقیقت و واقعیتی در پی این دنیا و لذّات آن وجود ندارد، در اینجا زاده شده و در همین جا به خاک سپرده می‌شویم و دیگر خبری از برانگیخته شدن و به عاقبت و جزای کردار دنیا در دنیای اخروی رسیدن نمی‌باشد.»

اما جالب اینکه همین افراد هنگام فراغت بال و در درون ناآگاه خویش و در خلوت دور از هیاهوهای سرگرم‌کننده و ویرانگر و چه بسا در مواقع غُسر و سختی و یا بیماری و گرفتاری با رجوع به نهانخانه دل توجّه و التفاتی به همان حقائق و روابط فراموش شده می‌نمایند و خود را در مواجهه و رو در روئی با آنها ناگزیر می‌یابند و هیچ مفرّی را برای نهان ساختن آنها نمی‌بینند و چاره‌ای جز تسلیم و خضوع در برابر خدای لایزال و مبدأ وجود احساس نمی‌کنند.

آیات شریفه قرآن کریم در این باره به شرح حال اهل دنیا پرداخته و پرده از این کش و قوس در حالات درون و نفس آدمی بر می‌دارد:

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفَلَكِ دَعَوْا اللَّهَ تَحْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾^۲

۱- سوره المؤمنون (۲۳) آیه ۳۷.

۲- سوره العنکبوت (۲۹) آیات ۶۴ الی ۶۶.

«این زندگانی دنیا چیزی جز سرگرمی به کارهای بیهوده و بجه‌گانه نیست و زندگانی حقیقی و انبساط روح و نشاط واقعی در عالم آخرت است، اگر اینها می‌دانستند و به آن حقیقت دست می‌یافتند. این مردم چنین‌اند که هرگاه بر کشتی سوار شوند و در دل دریاها به حرکت درآیند خدا را با تمام وجود و خالصانه می‌خوانند و از او برای رسیدن به مقصد استمداد می‌نمایند و آنگاه که به سلامت به خشکی رسیدند به تمام آن خواستها و حالات و توجهات پشت پا زده یکسره به خدا شرک می‌آورند تو گویی اصلاً خدائی و نیروی لایزالی و حقیقت غیبی وجود نداشته است!

این تغیر و تبدل حال برای این است که نعمتهای ما را پس از رسیدن به آنها به دست فراموشی می‌سپرند و کفران الطاف و عنایت‌های ما را می‌کنند و به هواهای نفسانی و لذات شهوانی دل‌خوش می‌شوند ولی به زودی مطلب برای آنها منکشف خواهد شد و به سزای اعمال ناشایست خویش خواهند رسید.»

این دغدغه خاطر و اضطراب نفس پیوسته با انسان در فراز و نشیب زندگی همراه و قرین خواهد بود و یک لحظه او را رها و آزاد نخواهد ساخت و همچنان روزگار را با او سپری خواهد ساخت تا هنگامی که مرگ فرا رسد و او را از این دغدغه بدرآورد و سیر او را در آخرت به او بنمایاند.

در این میان راه دیگری وجود دارد که برخی از بندگان زیرک و هشیار در این دنیا آن را برمی‌گزینند و با پیمودن آن نفس و سر خود را به همان مبدأ هستی و اصل نظام آفرینش متصل می‌نمایند و با رجوع به حقیقت ذات و سر نهفته خویش و به فعلیت درآوردن آن، موجب تجرد و تقرّب تامّ در مراحل ذات خویش گشته و با رسیدن به مقام و منزل معرفت و شناخت شهودی و قلبی حضرت حقّ دیگر جایی برای تشویش و اضطراب در درون خود باقی نمی‌گذارند.

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ ءَامَنُوا

وَكَاثُوا يَتَّقُونَ ۝ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^۱

«آگاه باشید که فقط اولیای خدا هستند که هیچ گونه ترس و اندوهی بر آنان نخواهد نشست. آن کسانی که واقعاً به حقیقت عالم، ایمان و اعتقاد آورده‌اند و طریق پرهیزکاری و رستگاری را پیمودند. برای ایشان هم در زندگانی دنیا و هم در آخرت بشارت به الطاف خاص حضرت حق است و در این مسأله و قضیه هیچ تغییر و تبدیل و دگرگونی راه ندارد. و این چنین است که سعادت و رستگاری بزرگ نصیب آنان خواهد شد.»

خدای متعال برای هدایت و ارائه راه و مسیر موصل به مقام قرب خویش راهنمایان و برگزیدگانی فرو فرستاده است تا به واسطه اطاعت و انقیاد بشر از آنان، از این دغدغه خاطر بدرآیند و زندگانی خود را در دنیا و آخرت تباه نسازند و سعادت ابدی و رستگاری اخروی را از دست ندهند و این لطف و عنایت حق است که شامل حال بندگان می‌شود و بدون هیچ پاداش و چشم‌داشتی صرفاً برای رشد و تکامل انسان چنین کرامتی را به بشر هدیه نموده است.

به راستی تا به حال با خود اندیشیده‌ایم که اگر وجود این برگزیدگان و اولیای الهی نبود چگونه ما می‌توانستیم از این سعادت و رستگاری بی‌منتهای الهی برخوردار شویم درحالیکه هیچ راهی برای وصول به این فوز عظیم و فلاح سرمدی جز پیمودن این راه و عبور از این مهالک و مزلات دنیوی و نفسانی و شهوانی و اعتباری وجود نداشته و نخواهد داشت؟

و سؤال دیگر اینکه اگر این برگزیدگان خود دارای خطاء و اعوجاج در طریق بوده باشند چگونه می‌توانند هادی و دستگیر سایرین باشند؟

و لذا بر اساس برهان ارتباط این اولیای الهی با پروردگار باید مصون از خطاء و محفوظ از تغییرها و تبدل‌ها بوده باشد و در این اتصال، سرّ و قلب ولیّ خدا با مبدأ حیات، خود با اشراق و افاضه انوار حقّ، حیّ و مستنیر و منیر خواهد شد و با استجلاب انوار بهاء ملکوت همچون چراغی فروزان هم خود نورانی و هم به دیگران نورافشانی می‌نماید.

و اما دیگران گرچه حظّ و نصیبی از علوم و معارف الهی برده باشند و با مبانی و حقائق آن کم و بیش سرگرم و متمنّع باشند ولی تا وقتی که این قلب و سرّ به آن مرتبه از کمال و صفاء و تجرّد نرسیده باشد، احتمال خطاء در فکر و اعوجاج در مسیر و انحراف در روش و منهاج در آنها وجود دارد.

باری از میان راه‌یافتگان به حریم قدس و واصلان به قلّه قاف تنها کسی که گوی سبقت را در عرصه سباق از سایر انبیاء و مرسلین و اولیای الهی ربوده و منزلت لی مع الله^۱ را در بهترین و شایسته‌ترین جایگاهش از آن خود نموده است و به خطاب تشریف: لولاک لما خلقت الافلاک^۲ نایل آمده است، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم است که وجودش اُسوه و الگوی همه پیامبران و شاهد بر شراشر وجود آنان و مشرف بر ضمائیر و اسرار و رموز نفوس انبیاء و اولیاء می‌باشد.

تاج سرت افسر لعمریک دیبای برت قبای لولاکی^۳

عارف بزرگوار و حکیم الهی شیخ محمود شبستری می‌فرماید:

در این ره انبیاء چون ساربانند دلیل و رهنمای کاروانند

۱- بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۶۰.

۲- همان مصدر، ج ۱۶، ص ۴۰۶.

۳- دیوان مرحوم حاج شیخ محمد حسین غروی کمپانی، ص ۸.

وز ایشان سید ما گشته سالار
 احد در میم احمد گشته ظاهر
 ز احمد تا احد یک میم فرق است
 بر او ختم آمده پایان این راه
 مقام دلگشایش جمع جمع است
 شده او پیش و دلها جمله در پی
 هم او اول هم او آخر در این کار
 درین دور اول آمد عین آخر
 جهانی اندر آن یک میم غرق است
 در او منزل شده ادعو الی الله
 جمال جانفزایش شمع جمع است
 گرفته دست جانها دامن وی^۱

قرآن کریم کتاب الهی و نسخه اطوار وجود، حقیقتی که برای تربیت و تزکیه انسان در همه عوالم سیر، تنها داروی حیاتی و نسخه منحصر به فرد و برهان قاطع و سراج منیر به واسطه جبرائیل امین بر قلب آن نازل شده است و چنانچه خود می فرماید:

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾^۲

«هیچ باطل و لغو و ناصوابی بدان راه ندارد چه در زمان نزول آن و چه پس از آن در زمانهای آینده، این کتاب از ناحیه ذات حکیم و مورد ستایش فرو فرستاده شده است.»

بحث از مقام و مرتبه قرآن این اعجوبه عالم تشریع و منت الهی بر بندگانش در فصل مربوط به وحی ان شاء الله خواهد آمد.

قرآن کریم کتابی که شامل مبانی اعتقادی، مبدأ، معاد، عدل، رسالت، امامت، و احکام فرعی و نیز دستورات اخلاقی و آداب اجتماعی و حکایات و تاریخ عبرت انگیز گذشتگان و در یک کلام آنچه برای رسیدن به تکامل و به فعلیت درآوردن استعدادهای بشری است، از جانب حضرت حق بر قلب رسول

۱- گلشن راز، قسمت دیباچه.

۲- سوره فصلت (۴۱) آیه ۴۲.

خدا نازل شده است. کتابی است آمر به معروف و ناهی از منکر، منذر و مبشر، ناسخ ادیان گذشته و مُحَدِّث شریعت جدید، باطل کننده ادیان خرافاتی و عادات جاهلی، کوبنده انانیت‌ها و فرعونیت‌ها، زایل کننده شوون ظاهری و شخصیت‌های ساختگی، احیاء کننده حق و معدلت، به پا دارنده رایت توحید و داد، شکوفا کننده استعدادهای نهانی، آشکار کننده اسرار عالم غیب، روشن کننده راه‌های ظلمانی، تمیز دهنده بین خرافات و توهّمات و تخیلات و اباطیل، و حقائق عقلانی و مبانی رصین و متقن، فارق بین شرک و توحید، و بالأخره راه‌برنده راهرو به سوی مبدأ معرفت و غایت قصوای نظام آفرینش.

موقعیت و جهت‌گیری بشر در قبال قرآن کریم طبعاً بر حسب تمایلات و خواستها و اغراض مختلف، متفاوت و متمایز می‌باشد، دنیاپیشگان و مادیون که از گذار عمر چیزی جز وصول به لذات دنیوی و مطامع نفسانی و ازدیاد اموال و عیش و هوسرانی و اظهار شخصیت و انانیت نمی‌دانند، طبیعی است که به مقابله و مواجهه با آن برمی‌خیزند و به انحاء وسایل تبلیغی و مواجهه عملی و ستیزگرانه در صدد محو و نابودی قرآن برمی‌آیند و از هر وسیله و واسطه‌ای جهت قلع و قمع آن فروگذار نمی‌کنند.

تشکیک در مضامین قرآن کریم و به سخریه گرفتن آن و رسول خدا را مجنون دانستن و پیروان او را مثنی اُبله و عقب‌افتادگان از تمدن بشری خواندن و آیات قرآن را تشبیه به سحر نمودن حربیه‌هایی بود که اعراب جاهلی برای مقابله با قرآن بدان تمسک و توسل می‌جستند و مردم ساده‌لوح را از گرایش به آن بر حذر می‌داشتند.

امروزه که دیگر از آن وسایل و ابزارها نمی‌توان بهره کافی و سوء استفاده نمود با طرح روشی نوین، مطابق با پذیرش مقتضای زمان و عصر و منطبق با رویکرد علمی و نگرش هدفمند قرن حاضر در مبانی اعتقادی و معرفتی به

حربه‌ای بس خطرناک‌تر و ویرانگرتر از وسایط و ابزار گذشتگان جهت محو و نابودی این پدیده منحصر به فرد تاریخ بشریت، دست یافته‌اند.

از طرفی با طرح مسأله ارتقاء کیفی قرآن به واسطه ارتقاء رشد و تکامل معنوی نفس رسول خدا به تشکیک در مضامین برخاسته از قلب و سر آن حضرت که به صورت وحی در اختیار جامعه قرار می‌گرفت اقدام نموده‌اند و بدین وسیله، این نادانان و ابلهان حقیقت متعالی وحی را از مبدأ اعلی بر قلب و ضمیر فخر کائنات، همچون خیالات و توهمات و خزعلات شاعرانه و واهیانه و افکار پوچ و احساسات منحط دور افتادگان از وادی انسانیت و متانت، تنزل داده‌اند.

و از طرف دیگر با حفظ الفاظ و کلمات و اعتراف مودیان و مزورانه به عدم تحریف، با تصرف در معنا و مفهوم الفاظ و عبارات و برگرداندن آن از معانی لغوی و برداشتهای عرفی، سعی در جعل و وضع معانی کلیه و قابل تشکیک و انطباق آنها بر خواستها و امیال نفسانی و شیطانی خویش نموده‌اند، و با حفظ ظواهر آیات به تحریف حقائق و معانی و مفاهیم منزله من عند الله پرداخته‌اند.

آری توغل در کثرات دنیوی و اشتغال به ظواهر و مظاهر مادی و سپردن دل و دین به دست شیاطین و شیادان و رهنان عشق و ایمان و نور و اتقان، و انغمار در دست‌آوردهای بی‌هدف و بی‌اساس بشری و رها نمودن میراث معنویت و اصیل مسلمانی، عاقبتی جز این نخواهد داشت. تازه این آغاز راه است و پایانش را خدا می‌داند که به کجا منتهی خواهد شد.

باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است
نتیجه‌ای که بر این منهای و سنت مترتب است چیزی جز شرک و کفر و انکار معارف و لابی‌گری و هرزه‌مداری نمی‌باشد.

اخیراً یکی از همین سنخ افراد دور افتاده از مسیر اتقان و بصیرت و

افتادگان در وادی غوایت و ضلالت^۱ به خیال خام خود، دست‌آوردی در عرصه معرفت حاصل نموده و تحفه‌ای به ساحت علم و بصیرت تقدیم نموده است و با مطالبی موهون و بی‌پایه و اساس پنجه در پنجه شاهین آسمان رسالت و ولایت درافکنده و پای در جای پای پیامبران و رسل نهاده، از مقام و منزلت قرآن و رسول دم می‌زند. و آن دو را در مضمار و ترازوی وهم و خیال خویش به سنجش درآورده است. و سخن از صدق و کذب آیات و صحیح و سقیم بینات می‌راند، برخی را منزل من عند الله و بعضی را ساخته و پرداخته خیال و وهم بشری می‌شمارد، و گاهی منزلت و مرتبت وحی را همچون خیال لغو و توهم بی‌مایه افکار خود می‌پندارد.

از آنجا که این خرافه‌گویی از چنین فرد به ظاهر مسلمانی تراوش نموده است موجی از نگرانی و تشویش و اضطراب، در نفوس مؤمنین و مجامع علمی برانگیخت، طبعاً بزرگانی بر حسب وظیفه و تکلیف الهی به پاسخ گوئی و ردّ این شبهات پرداختند، و جوابهایی به حسب اختلاف مراتب معرفت و ارتکازات علمی به ساحت علم و بصیرت تقدیم کردند فلله اجرهم و علیه درهم.

در این میان بسیاری از دوستان و آشنایان از این حقیر نیز درخواست جوابیه نموده با تکرّر درخواستها این بنده را مشمول لطف و رهین عنایت و کرامت خود نمودند، حقیر متقابلاً رفض الطاف را روا ندید و به مقدار بضاعت مُزجات در مقام جوابیه و ابطال شبهات برآمد، مرجو از ارباب فهم و درایت اینکه بر راقم سطور به دیده اغماض و کرامت بنگرند و نقائص و زلات در قلم را با سعه صدر و بزرگواری در شأن صاحبان علم و معرفت متقبل شوند و نگارنده را از تذکرات مشفقانه و تنبیهات روشنگرانه محروم نفرمایند.

نظر کردن به درویشان منافی بزرگی نیست

سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش^۱

طرح شبهه و احتمال در مسائل اعتقادی و به طور کلی در مبانی ارزشمند و اصول و سنن عقلائیّه تا آنجا ممدوح و قابل قبول و تأمل است که موجب رفع ابهام و تبیین آن اصل و اعتقاد گردد و به عبارت دیگر، مسیری برای وصول به حقیقت مسأله و رفع شکوک و ابهامات از چهره و سیمای آن مسأله گردد و در این راستا بحث و تحقیق و کنکاش علمی هیچ حدّ و مرز و خطّ قرمزی را نمی‌شناسد و خط قرمز آن فقط و منحصرأ در جهل و تعصّب و انائیّت و اغراض نفسانیّه است. در اینجا است که ورود شکّ و احتمال در زوایای ناشکفته و ناشناخته یک باور دینی و یا عرفی ورودی میمون و مبارک است و باید به احسن وجه با روی باز و چهره گشاده از آن استقبال نمود و بلکه پیشاپیش به استقبالش رفت و آن را در جایگاه و منزلت متناسب با خود فرود آورد که این طریق، طریق شناخت و دریافت حقائق است، درست به خلاف طریق تقلید کورکورانه و از روی تخیلات و توهمات و باورهای عامیانه که مقابل این روش و منهج قرار دارد. و بر این مطلب نه تنها سیره و ممشای رسل الهی بلکه برهان عقل بر لزوم متابعت این ممشی حکومت دارد.

در بسیاری از آیات الهیه^۲ دعوت به تفکر و تحقیق، اصل لایتغیر پذیرش

۱- دیوان حافظ، یک بیت از غزل ۲۸۰.

۲- سوره آل عمران (۳) آیه ۱۹۰ و ۱۹۱: ﴿إِنِّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَآخِثِيفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

سوره الرعد (۱۳) آیه ۱۹: ﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾

باورها و التزام به سنن شناخته شده است. و تفکر چیزی جز ترتیب مقدمات بدیهه بر اساس رفع شکوک و ازاله ابهامات و سدّ احتمالات مقابل و اخلاص اندیشه از حشو و زوائد جوهر معانی عقلانی و مبانی دینی نیست.

حضرت ابراهیم علیه السلام با همین شکوک و تردیدها پی به راز عالم هستی و سرچشمه بحر وجود و انحصار حقیقت توحید در ذات لایزال حضرت حق برد و نفس او از توجه و اعتقاد به خدای توهّمی و بتهای مورد پرستش و پذیرفته شده انام و خلق نادان و منغم در شهوات و شعارها و تبلیغات شیطانی به سمت و سوی مبدأ هستی و سرچشمه زلال عوالم وجود گرایش نمود.^۱

سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۵۲: ﴿هَذَا بَلَّغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ، وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذْكُرُوا أَنَّهُمُ الْآلَتِيبِ﴾

سوره الزمر (۳۹) آیه ذیل ۱۷ و آیه ۱۸: ﴿فَيَذَرُ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْآلَتِيبِ﴾

سوره البقرة (۲) آیه ۱۶۴: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَآخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَاحِ الَّتِي تَجْرَى فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَنَشَأَ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾

سوره الانبياء (۲۱) آیه ۱۰: ﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾

سوره الحج (۲۲) آیه ۴۶: ﴿أَفَلَمْ يَسْمِعُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾

سوره الزخرف (۴۳) آیه ۳: ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

سوره الفرقان (۲۵) آیه ۴۴: ﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾

۱- سوره الانعام (۶) آیات ۷۵ به ۷۸: ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ۝ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَى الْفَجْرَ تَارَعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْسَ إِلَهُي بِنَارٍ لَأَكُونُ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ۝ فَلَمَّا رَأَى﴾

﴿الشمس بازغة قال هذا ربی هذا أكبر قلماً أفلت قال یقوم ربی بریء یمّا تفرکون﴾

مرحوم علامه طهرانی - رضوان الله علیه - درباره این آیات می‌فرماید:

در این آیات بطوری که می‌بینیم اولاً با قیاس صفوی و کبری اثبات ربوبیت کوکب و قمر و شمس را نموده است بدینگونه: اینست کوکب درخشان، و هر کوکب درخشانی ربّ می‌باشد؛ نتیجه می‌دهد: این کوکب درخشان ربّ من است!

و اینست قمر روشن، و هر قمر روشن ربّ من است؛ نتیجه می‌دهد: این قمر روشن ربّ من است!

و اینست شمس فروزان به جهت آنکه بزرگتر است، و هر شمس فروزان بزرگتر ربّ من است؛ نتیجه می‌دهد: این شمس فروزان بزرگتر ربّ من است!

ولیکن چون کبرای این مسائل یا از نظر بدوی وی بوده است و یا از نظر دیدگاه قوم، و آن عبارت بوده است از شایستگی فروزان بودن ستاره آسمان بطور اطلاق گرچه دارای اَفول و غروب باشد، و در این صورت واقعاً آنها سزاوار ربوبیت نبوده‌اند لهذا این تصحیح را ثانیاً کرد و فرمود: خداوند غروب کننده لایق ربوبیت نمی‌باشد!

بدین ترتیب: این ستاره غروب کرد، و هر ستاره غروب کننده لایق ربوبیت نیست؛ نتیجه می‌دهد: این ستاره غروب کننده لایق ربوبیت نیست.

و این قمر تابان غروب کرد، و هر قمر تابان غروب کننده لایق ربوبیت نمی‌باشد؛ نتیجه می‌دهد: این قمر تابان غروب کننده لایق ربوبیت نیست!

و این شمس فروزان بزرگتر غروب کرد، و هر شمس فروزان بزرگتر غروب کننده لایق ربوبیت نیست؛ نتیجه می‌دهد: این شمس فروزان بزرگتر غروب کننده لایق ربوبیت نیست!

در اینجا بطور وضوح معلوم می‌گردد که در استدلال دومین، اشاره به ابطال کلّیت کبری در محاجة نخستین می‌کند. یعنی برهان اولین چون بر اصل کلّیت قابل ربوبیت بودن ستارگان سماوی است و این کبری درست نمی‌باشد، لهذا نتیجه برهان غلط می‌شود چون در آن کبرای نادرست بکار برده شده است.

و در استدلال دومین اشاره به آنست که ربّ باید اَفول نکند. نورانی بودن تنها شرط ربوبیت نمی‌باشد؛ دوام و استمرار نورانی بودن لازم است. لهذا خدائی که یا شرقی بوده باشد یا غربی، یا شمالی باشد یا جنوبی به کار خدائی نمی‌آید. زیرا خودش نیازمند و محتاج است، و فقیر و

ضعیف و شکسته و سرافکنده است.

خداوند باید لم یزلی و لایزالی، و بلامکان شرقی و غربی، بلازمان قبلی و بعدی بوده باشد. و تمام این کُتَبات در استدلال راستین قیاس منطقی برهانی او منطوق می‌باشد.

لَهذا پس از این استدلال بدون درنگ - چنانکه خواندیم - به قوم خویشان گفت:

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

یعنی من خداوندی را ربّ خودم قرار داده‌ام که دارای هیچگونه بُعدی از ابعاد زمان و مکان و کیف و کمّ و حدّ و عدّ و قید و حصر و اندازه نیست. و اوست که آفریننده جهات و ابعاد و نور و ظلمت و طلوع و افول است. و من از جمیع انحاء و اقسام گرایش به تحدید و تقیید او که موجب ضعف و فتور و سستی در حریم اقدسش بگردد دل خود را برگردانیده‌ام، و بدین ربّ محیط و مجرد و نورانی مطلق که نور آفرین است گرویده‌ام!

نکته مهمی که بسیار دارای قدر و ارزش می‌باشد و از آیه قرآن کریم بدست می‌آید آنست که: در ابتدای امر خداوند دل ابراهیم علیه السلام را به نور یقین حاصل از مشاهدۀ ملکوت آسمانها و زمین، محکم و مستحکم ساخت؛ سپس وی را برای مأموریت با قوم در ابراز و ادای اراده راه توحید از طریق برهان فلسفی و قیاس منطقی گسیل داشت. زیرا نور یقین بدست آمده در قلب به مراتب قوی‌تر و شدیدتر و ارجمندتر از استخدام قوای تفکیریّه و اندیشه و تعقل فلسفی وارد در مغز و ذهن و فکر و خیال می‌باشد. و ابراهیم تا زمانی که با آن سلاح و حرّبه الهی ملکوتی سبحانی مسلح نگشت، مأموریت به نبرد با قومش را با استدلال و منطق بدست نیاورد. و این مهم، از آیه قبل از این آیات اخیره مستفاد می‌گردد که فرمود:

﴿وَكَذَٰلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾

«و هان ای پیغمبر! ما آنچنان (برای بحث و مواخذۀ ابراهیم از عموش آزر درباره پرستش اَصنام) به ابراهیم ملکوت آسمانها و زمین را نشان می‌دهیم؛ و به جهت آنکه از صاحبان یقین بوده باشد.»

و محصل سخن آنکه باید انسان با عزمی راسخ و اراده‌ای متین و تصمیمی استوار، پای مجاهده در راه نهد و از زرق و برق دنیای عوام فریبانه و کودک فریب بگذرد. پشت پا به همه این تعینات و هواهای مکارانه شیطانیّه و مصلحت اندیشی‌های عمر ضایع کننده بزند؛ و از قول و گفتار، به عمل و کردار آید. و از «لِمَ» و «بِمَ» و «لَعَلَّ» عبور کند. و از دعاوی باطله و دور هم

جمع شدن آنها به اسم مجلس عرفان و به نام ذکر حق بگذرد؛ و خود را به حقیقت عرفان و واقعیت اسم حق تعالی متحقق گردانند. انسان باید قدم به قدم جلو برود. حج بجای آورد، نماز بگذارد، بقیه اقسام عبادات را مو به مو انجام دهد. شب زنده دار و سحرخیز باشد. به حوائج مردم رسیدگی و در انجام آن حسب القدرة و التمكن سعی باشد. برای مصلحت عامه، خودش را فراموش نکند. و برای منفعت رسانیدن به اجتماع، خودش را در مهلکه و مضرت نفسانی و معنوی نیفکند.

اینست مکتب انبیاء! اینست راه و روش اولیاء! اینست منهج و ممشای لقاء الله اینست مکتب عرفان که مکتب برهان را ابطال نمی نماید؛ و می گوید: آن مکتب برای حیات جاودانی آدمی تنها کفایت نمی کند.

آن به جای خود صحیح است و این به جای خود صحیح و لازم است، و بدون آن انسان گرسنه و تشنه می ماند. آب و طعام گوارای دل، نفحات ربانی است که باید بر دل بوزد و بترآود و آن را اشباع و إشراب کند.

مکتب فلسفه و برهان حربه ای است برای دشمن؛ اما برای خودت چه؟! اگر بخواهی غذا بخوری و شربت گوارا بیاشامی، البته باید شمشیری در دست داشته باشی تا اگر بخواهد دشمنی یا درنده ای تو را پاره کند دفاع نمائی! اما حربه تو را سیر و سیراب نمی کند! اگر کسی چاقو در دست داشته باشد که سیر نمی شود. این مرد باید سراغ أطعمه مطبوخه و أشربه مأنوسه برود و تناول نماید؛ و در عین حال حربه هم با وی همراه باشد که در صورت ضرورت بکار بیند.

اگر هزار سال انسان با مکتب برهان سر و کار داشته باشد و به خواندن کتب حکمت و فلسفه و مجرد اطلاع بر افکار الهیون عالم قناعت ورزد، کارش به جانی منتهی نخواهد گشت. انسان تا به لقاء خداوند نرسد قلبش آرام نمی شود. آرامش و سکینه خاطر، انحصار دارد در یاد خدا بودن و عدم غفلت از وی، و رؤیت جمال سرمدی و نور احدی را با چشم دل حائز گشتن.

﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾*

«هان! به یاد خداوند است که دلها آرامش می پذیرد.»

الله شناسی، ج ۳، ص ۲۹۴ الی ۲۹۹.

* - سوره الرعد (۱۳) ذیل آیه ۲۸.

کسانی که از ورود شک و احتمال در مسائل مختلفه بیم می‌دهند به یقین دچار نوعی وسواس و نگرانی از مآل و نتیجه آن خواهند بود که برایشان خوشایند نمی‌باشد.

حقائق عالم تکوین و مبانی شرایع الهی و به خصوص دین مبین اسلام را نسزد که از ورود احتمالات و شبهات در اعتقادات و اصول خود بهراسد و نگران سرنوشت و نتیجه بحث‌ها و تحقیقات و رد و ایرادها در باورهای خود را داشته باشد و اگر کسی دچار این ترس و دلهره است از ضعف و نقصان خود او است نه از مبانی رصین و متقن شرایع الهیه.

البته پر واضح است که پیمودن این مسیر باید منطبق با ضوابط و قوانین و سیره و سنن عقلانیته باشد تا راه به مقصود بیرد و از سرمزل واقع و نفس الامر سر برآورد، و به عبارت دیگر، اصول و مبانی اهل محاوره و کلام، از تمسک به مطالب یقینیه و اعتماد بر وثاقت طرق گزینش شده و پیروی از منهج و ممشای اهل تحقیق و معرفت، پیوسته مد نظر باشد، مثلاً از یک روایت و خبر مستفیض و متواتر به واسطه یک خبر واحد دست برداشته نشود و خبر واحد بر آن ترجیح نیابد و هکذا....

و اما اگر ورود شک و احتمال مخالف در باورهای دینی به نحوی باشد که بیشتر مخاطب را دچار سردرگمی و تشویش و تزلزل در اعتقاد، بدون جایگزینی صحیح و منطقی یک باور دیگر بر اساس اصول و سنن فوق الذکر کند، این جز شیطنت و ابراز اغراض نفسانی و تحریف حقائق و اغواء مخاطب چیزی نخواهد بود.

در این مورد گوینده و نویسنده برای رسیدن به مطلوب خویش از الفاظ دو پهلوی و مبهم و وسوسه انگیز بهره می‌گیرد و از طریق ایراد موارد نادر و شاذ و غیر مقبول اهل فضل و تحقیق، به انکار و کنار زدن موارد مقبول و معتبر

می‌پردازد و سخنان افراد بی‌بضاعت را در کنار کلمات و بیانات اسطوره‌های دانش و درایت قرار می‌دهد تا از میزان ارزش و اعتبار آنان بکاهد و بجای استدلال بر اساس ادله و حجج علمی و اثبات یک نتیجه علمی، به ذکر سخنان واهی و پوچ و شعار گونه و احتمال و گمان می‌پردازد تا اگر نتوانست به اهداف بی‌محتوا و سخیف خویش برسد حدّاقلّ اصل و اساس آن معتقدات متین و رصین را سست گردانده، از میزان اتقان و اعتبار آن بکاهد. پدید آورنده متن در این مرحله از سیره و روش عقلانیته در نقل و انتقال فاصله می‌گیرد و مطالب مطرح شده را در حدّ سفسطه و خطابه و شعرِ مُهمَل تنزّل می‌دهد و از درجه اعتبار و وثاقت ساقط می‌کند. در اینجا است که اهل فضل و دانش و بینش دیگر به محتوا و مفهوم آن توجهی نمی‌نمایند و صرفاً با یک تأسّف و ریشخند از کنار آن می‌گذرند و آن را قابل نقد و تحقیق نمی‌یابند و وقت و عمر خود را برای پرداختن به چنین اباطیلی هزینه نمی‌کنند، و اگر بخواهند پاسخ و جوابی به این مهملات بدهند صرفاً بر اساس دلسوزی و سدّ اغواء افراد کم تجربه و ناتوان خواهد بود.

این بنده در اینجا اعتراف می‌کنم که گوینده و نویسنده مورد اشاره متأسّفانه در طریق اوّل گام نهاده است و از جاده تحقیق و روش پسندیده علمی کنار رفته است و خود را در وادی تحیر و سرگستگی، و دیگران را چه بسا به غوایت و ضلالت دچار ساخته است که باید در این مورد در پیشگاه عدل الهی پاسخ‌گو باشد.

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد^۱ تمسّک به کلمات و مفاهیم مقبوله افرادی که از نظر اهل تحقیق حائز

۱- دیوان حافظ، یک بیت از غزل ۱۱۴.

شرایط جولان در عرصه تفسیر و تحقیق نمی‌باشند از یک طرف و عدم فهم صحیح از بیانات ثمین و درر شاهوار تک سواران عالم علم و عرفان و مفاخر عالم اسلام همچون حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی - قدس الله سره - از طرف دیگر موجب پدید آمدن این نتیجه نامیمون و واهی و باطل گشته است.

یک نویسنده صرفاً از حفظ اشعار بزرگان و کلمات حکمت گونه حکماء والا مقام عالم تشیع و اسلام بدون رسیدن به محتوای آنها (که نتیجه صرف سالیان دراز تحصیل و درس و تدریس و بحث و اشتغال علمی بر پایه و اساس متقن آن نزد مدرّسین و حائزین شرایط تدریس می‌باشد) و ترکیب جملات و الفاظ خوش رنگ و لعاب و جاذب طرّفی نمی‌بندد، و تنها مقصد و مقصود خود را برای اهل بینش و ارزش روشن و برملا می‌سازد.

راقم سطور را پس از مطالعه این مطالب نه تنها عجب نیامد که بر اعتقاد و باور خود نسبت به معتقدات بی‌پایه و تخیلات واهی این گونه اشخاص راسخ‌تر و استوارتر گشت و آن مآل و عاقبتی که پس از مطالعه مقالة «قبض و بسط تئوریک شریعت» در سالیان پیش، پیش بینی کرده بود را به رأی العین مشاهده نمود و از این مرتبه نیز جلوتر خواهد رفت.

خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج
این قلم به جهت همان مطالب اخیر الذکر هیچگاه در مقام پاسخ به این گونه مسائل بر نمی‌آید که این قبیل موارد را حدی نیست و طرح شبهه و احتمال باطل از هر کسی سر می‌زند و به طور کلی ایجاد شک و تردید هنری است که بر هر بی‌هنری رواست، گرچه عرق و حمیت دینی و تکلیف الهی و درخواست دوستان نسبت به پاسخگویی از یک طرف و مطالعه مقالات و پاسخ‌هایی که در این مسأله انتشار یافت و چه بسا در مقام جواب و ایراد بیانات، مطالب صحیح و سقیم در هم آمیخته شده است از طرف دیگر، نظر و رأی مرا تغییر داد و طریق

جدال به احسن را بر سکوت و اغماض و بی‌توجهی راجح نمود.

نکته قابل ذکر آنکه در ابتدای امر نیت و هدف بر نوشتن مقاله‌ای مختصر و موجز مانند سایر مقالات بود اما از آنجا که ملاحظه شد بسیاری از افراد در مقام پاسخ‌گویی به طرح مطالبی که هیچ ارتباطی با این شبهات نداشته پرداخته‌اند، چاره‌ای جز عطف نظر به مطالب مطرح شده نمی‌باشد زیرا مجموع شبهات و مقالات وارده در مقام ایراد، همه و همه یک نوع وحدت و انسجام متنی را به وجود آورده‌اند که گریز و گزیری از توجه به آنها نمی‌باشد.

برخی اساس استدلال خود را بر پیوند این شبهات با مسأله وحدت وجود دیده‌اند، آنگاه به جای پاسخ به شبهه به انکار این نظریه فلسفی متقن و غیر قابل خدشه و تردید برخاسته‌اند، آخر تأمل نکرده‌اند که کدام نتیجه و حاصل این نظریه متعالی، اثبات حلول و اندکاک دو مظهر وجود از مظاهر لایتنامی عالم وجود را در یکدیگر می‌نماید و کدام فیلسوف از فلاسفه بزرگوار عالم اسلام - رضوان الله تعالی علیهم - معتقد به اندکاک یک وجود مقید و محدود و یک مظهر متعین و مشخص با حفظ تشخیص و تعین در مظهر و قالبی دیگر با همین حیثیت و اعتبار می‌باشند؟!

و دیگری گویا هیچ دیواری کوتاه‌تر از عرفان و تصوف نیافته و ریشه همه مشکلات و مصائب را در هر نقطه از این منظومه شمسی در عرفان و تصوف جستجو می‌کند.

و برخی دیگر با استناد به اشعار فخر عالم اسلام مولانا جلال الدین رومی و عدم درک صحیح از آن به ردّ اشعار مطرح شده در کلمات گوینده مقاله پرداخته‌اند.

و از طرف دیگر طرح مطالب ردّ و بدل شده، در هر مقاله‌ای خود موجب شبهات بیشتر و در نتیجه مجال پاسخ وسیعتری را می‌طلبید و بر این اساس

ملاحظه گردید که اکتفا به پاسخ موجز و مقاله مختصر مفید فائده نخواهد بود و مشکلی را حل نخواهد کرد و چه بسا خود بر میزان شبهات خواهد افزود و طرح مقداری از مبانی کلی گرچه بر اساس اصول متقنه و ادله و براهین قطعی باشد، باز حجم ورود شبهات و احتمالات وسوسه انگیز به نحوی است که یارای مقابله با تک تک آنها را به نحو وافی و شافی ندارد و لذا راقم سطور بر آن شد که در ضمن پرداختن به اصل و ریشه این شبهه به ذکر موارد مختلف از اعوجاج و انحراف در کلمات فیما بین دو فریق پردازد و با زدودن غبار از سیمای گرد آلود و مشوه حقیقت و بیان نکات قوت و ضعف در این گفتارها و نوشتارها چهره ملکوتی و سیمای لاهوتی حقیقت امر را برای طالبان مسیر حق و ولایت واضح و آشکار سازد.

بمحمّد و آله و من الله التوفیق و علیه التکلان.

دوشنبه ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۲۹ هجری قمری

سید محمد محسن حسینی طهرانی